

مرحوم واحدی، نوزدهم آبان، سالروز تولد حضرت امام، چهاردهم آبان روز بسته شدن حسینیه ارشاد، سیزدهم آبان روز بازداشت و تبعید امام سالروز افشاگری امام راجع به کاپیتولاسیون بود. اگر به تاریخ مناسبت‌های فوق نگاه کنیم معلوم می‌شود که بچه‌های مسلمان از آمادگی همیشگی برخوردار بودند. و اول آبان سالروز شهادت سیدمصطفی خمینی و نقطه عطفی بود برای حرکت سیاسی و مذهبی و مردمی. ۵۶/۳/۲۹ سالگرد شهادت دکتر شریعتی بود و قبل از آن هم سالگرد قیام ۱۵ خرداد.

در این جا مبارزات دانشجویی به اوج رسید. وقتی در دانشگاه تبریز متوجه شدیم که شریعتی شهید شده است، ولوله عجیبی در دانشگاه افتاد. بچه‌های مذهبی همه جمع شده بودند و زار زار گریه می‌کردند. شریعتی محبوبیت عجیبی داشت و محور فکری و مبارزه بچه‌ها بود. او در نظر ما، یک ایدئولوگ مهم بود.

او که شهید شد، حرکت عجیبی یک مرتبه در دانشگاه اتفاق افتاد. ما در حالی که گریه می‌کردیم، اطلاعیه‌ای نوشتیم که در سطح تبریز و دانشگاه پخش شد بچه‌ها غذاخوری را به هم ریختند و شیشه‌ها را شکستند. دوستان کبوترهایی را هم آورده بودند که به نشانه شهادت علی شریعتی، از دانشگاه پرواز دادند.

با شهادت دکتر علی شریعتی، مبارزات دانشجویی بچه‌های مسلمان اوج گرفت. ما هر روز تظاهرات و برنامه‌ریزی داشتیم. و برای اجرای برنامه، از مناسبت‌ها استفاده می‌کردیم: مثل قیام مردم مسلمان به رهبری کاشانی، فرار شاه پیش از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، کودتای شاه و سرکوب نهضت ملی، به توپ بستن گنبد حضرت رضا(ع) و کشتار مردم در مسجد گوهرشاد. ولی شهادت آقای سیدمصطفی خمینی تبدیل به یک جرقه در سطح ملی شد. و حرکت ما را از دانشگاه به خیابان‌ها و مساجد کشاند. تا رسیدیم به تاریخ ۱۹ دی که سالروز قیام مردم قم و کشتار آن‌ها بود و تا قیام و کشتارهای مردم تبریز ادامه یافت.

پیش از فرارسیدن چهل‌م شهدای ۱۹ دی‌ماه قم، دانشجویان مسلمان نزد آیت‌الله قاضی طباطبایی نماینده امام خمینی در آذربایجان رفتند تا طرح خود را برای برپایی مراسمی بدین مناسبت به استحضار رسانند و از وی درخواست همراهی و همکاری کنند.

## تظاهرات و اعتراض نسبت به کشتار ۱۹ دی،

### زمینه‌های قیام ۲۹ بهمن

آقای سیدحسن نوربخش: بعد از قیام قم دانشجویان مسلمان خدمت آیت‌الله قاضی رسیدند و درخواست کردند که عکس‌العمل نشان بدهند. آیت‌الله طباطبایی فرموده بودند که باید مدتی روی این برنامه کار و مطالعه شود. بچه‌های دانشجو هم ناراحت شدند که: «آقا کاری ندارد شما اگر نظر بدهید، و اعلام بکنید مردم تابع شما هستند و می‌ریزند در خیابان‌ها». چون «جو انقلابی» هم ایجاد و فضای سیاسی باز شده بود.

از آن‌جا که آیت‌الله قاضی در تبریز به عنوان دوستدار امام، یکی از سمبل‌های اصلی مبارزه، زندان رفته و دارای خانواده‌ای شناخته شده و حتی نماینده امام بود، اگر نظری می‌داد، برای مردم ارزش و اعتبار داشت.

به هر حال وقتی دانشجویها می‌دیدند در شهر، امکان حرکت نیست، خودشان شروع به برنامه‌ریزی کردند. و تظاهراتی در دانشگاه و بازار تبریز به راه انداختند.

آیت‌الله قاضی عالم بزرگ تبریز در مسجد از مردم خواست تا مغازه‌ها و اماکن را در روز شنبه ۲۹ بهمن تعطیل بکنند. چرا که مجلس ختمی در ساعت ۱۰ صبح همان روز در مسجد میرزا یوسف برقرار می‌شد. آیت‌الله شریعتمداری نیز طی اعلامیه‌ای این روز را روز عزای عمومی اعلام کرد. دانشجویان دانشگاه تبریز به منظور بزرگداشت چهارم شهدای قیام قم، طی اطلاعیه‌ای زمان و مکان تظاهرات را اعلام کردند. این نخستین بار در طول تاریخ مبارزات سیاسی دانشجویی و غیردانشجویی بود که زمان و مکان تظاهرات از قبل اعلام می‌شد و شهادتی می‌خواست و عزمی قاطع برای شورش و رویارویی با پلیس.

علی افتخار: آمدیم دانشگاه و دیدیم در دانشکده فنی کاغذ کوچکی به دیوار زده‌اند که: «امروز، روز چهارم شهدای قم است و دانشجویها به مسجدی که اول بازار هست، بروند.»

گرچی: جریان ۱۹ دی که پیش آمد بچه‌ها همه ناراحت بودند. روز هفتم شهدای ۱۹ دی بچه‌ها برنامه‌ای طرح کردند که ما داخل دانشگاه، حرکت را شروع کنیم و بعد از اینکه

نیروهای رژیم را به داخل دانشگاه کشیدیم، شهر را به هم بریزیم. برای بازار هم برنامه‌ای گزانشیری طراحی و تمهیداتی فراهم شد. مثلاً کوکتل مولوتف تهیه کردیم و مسلح‌تر شدیم. بچه‌ها سنگ‌هایی را داخل جعبه‌های شیرینی می‌گذاشتند و می‌آوردند داخل دانشگاه و در جاهای مشخصی قرار می‌دادند تا موقع تظاهرات از آن استفاده بکنند.

یکی دیگر از بچه‌های خارج دانشگاه که اهل ارومیه بود و در بهمن ماه ۱۳۵۷ در تهران شهید شد، (خیلی ترس بود. اصلاً کلمه‌ای به نام ترس در وجود او نبود.) تعدادی کوکتل مولوتف آورده بود داخل دانشگاه. در دانشگاه، تظاهرات با صلوات شروع شد. بعد هم شعارهای خیلی تند داده شد. گاردی‌ها هم به دلیل داشتن حساسیت نسبت به آن شعارها، به سرعت رسیدند. بچه‌ها سر راه گارد مانع گذاشته بودند. تا هنگامیکه گاردی‌ها به این موانع رسیدند. و توقف کردند، بچه‌ها با کوکتل مولوتف آن‌ها را هدف قرار می‌دادند.

گاردی‌ها آمدند و بچه‌ها در مانع اولیه حمله کردند و شیشه‌های ماشین‌ها را شکستند و آن‌ها را به آتش کشیدند. آن‌ها می‌خواستند تا رسیدن گاردی‌ها به نیروهای اصلی تظاهرات، چند ضربه کاری، به آن‌ها بزنند. این بود که در مانع دوم هم حمله به گاردی‌ها تکرار شد؛ و تعدادی از آن‌ها ماشین‌هایشان را رها و فرار کردند. آن تعداد از گاردی‌ها که پررو بودند، خود را به تظاهرات اصلی رساندند و شروع کردند به درگیری. ولی چون بچه‌ها آمادگی فراوانی داشتند، با چوب و سنگ افتادند به جان گاردی‌ها و هرچه نیروی گارد در دانشگاه بود، همه زخمی شدند. لذا فرمانده‌شان دستور عقب‌نشینی داد و دانشگاه افتاد به دست بچه‌ها «قبلاً حدود ۳۰ نفر از دانشجویان هم مأمور شده بودند در نقطه‌ای از بازار کفاش‌ها تظاهرات را شروع بکنند.

حرکت کردیم به طرف بازار که یک دفعه دیدیم ماشین‌های ارتشی رسیدند. چون نیروهای پلیس به تنهایی از عهده بچه‌ها برنمی‌آمد. ارتش وارد عمل شد ماشین‌ها به ردیف آمدند و شروع کردند به محاصره کردن دانشگاه. سرنیزه‌های تفنگ‌ها را هم آماده کرده بودند.

وقتی دیدیم دارند دانشگاه را محاصره می‌کنند، از نرده‌ها پریدیم بیرون و با تاکسی رفتیم به بازار کفاش‌ها. البته بچه‌هایی که گیر مأموران ارتشی افتاده بودند، حساسی اذیت و مجروح شده بودند.

روز قبل هم شهید قاضی در مسجدی که نماز می‌خواندند، به مردم گفته بودند که: «این دانشجویها کمونیست نیستند، این‌ها بچه‌های مسلمان هستند، این‌ها کسانی هستند

که شراب‌فروشی‌ها را آتش می‌زنند. این‌ها کسانی هستند که به کاخ جوانان و مراکز فساد حمله می‌کنند...»

به بازار که رسیدیم بچه‌ها به همدیگر علامت دادند. یکی از بچه‌ها شروع کرد: «برای سلامتی امام زمان صلوات» و بچه‌ها همراهی کردند. ما همین که صلوات را فرستادیم، صدای عجیبی در بازار پیچید. یک لحظه حاج و واج ماندیم. مثل این بود که چند مسلسل در بازار همزمان به صورت رگبار تیراندازی بکنند. متوجه شدم که همه بازاریان، همزمان با هم، کرکره‌های مغازه‌ها را پایین کشیده‌اند و به خاطر اینکه بازار سقف داشت، صدا در آنجا پیچیده بود. بازاری‌ها هم به ما پیوستند و صف عظیمی درست شد. بعد از واقعه قم یک افسر با چهار پاسبان در بازار گشت می‌زدند. این صف که در بازار راه افتاد، مأمورها هر جا برخورد می‌کردند، مثل موش از هر سوراخی که می‌یافتند فرار می‌کردند. بچه‌ها از شوق گریه می‌کردند و این اولین باری بود که مردم به این صورت به ما پیوسته بودند. ما قبلاً همیشه با مظلومیت تظاهرات می‌کردیم و حتی از ترس همین مردم فرار می‌کردیم. مردم ناآگاهی که مخالف ما و موافق شاه بودند. اما این حرکت بسیار وسیع، مقدمه‌ای شد برای ۲۹ بهمن تبریز. دانشجویها در جلو صف سردمدار بودند و تظاهرات را رهبری می‌کردند.

تعداد زیادی از بچه‌ها را ساواک دستگیر کرد.

دانشجویان از قبل برای تظاهرات ۲۹ بهمن برنامه‌ریزی کرده بودند. و قرار بود که آنرا در سطح وسیعی در شهر به اجرا درآورند اما همزمان با آن حرکت خودجوشی در مردم آغاز شد و توأم با برنامه از پیش تنظیم شده دانشجویان وسعت گرفت.<sup>۱</sup>

گرچی: بچه‌ها برای ۲۹ بهمن برنامه‌ریزی کردند و از تجربه‌های قبلی هم استفاده شد. قرار بود مراسمی برای شهدای قم در یکی از مساجد تبریز برپا شود. بچه‌ها هم

۱. در این حرکت بسیاری از دانشجویان مذهبی شرکت داشتند. برخی از آن‌ها اسداله سعادت، حجت، مهدی اقبال و هاشم صدیقی از دانشجویان دانشکده داروسازی بودند و برخی از آنان مرحوم سید اسداللهی، مرحوم اکبر رمضان قاسم، مرحوم حسن برکتیس و... بودند)

برنامه‌ریزی کرده بودند که بعد از اینکه مراسم تمام شد، بیایند بیرون و در میدان کورش - میدان جمهوری اسلامی فعلی - که میدان بزرگی است، تظاهرات بکنند. در این میدان چند بانک، ساختمان دولتی و یک مرکز پلیس قرار داشت. ساعت ۸/۳۰ صبح قرار بود مراسم شروع بشود و من چون مشغول تکثیر تعدادی مطلب و اعلامیه بودم، دیر - ساعت ۹ صبح - رسیدم. وقتی رسیدم، دیدم اوضاع عوض شده است و مردم شعار می‌دهند. کمی آمدم جلوتر. دیدم ماشین و موتور و دکه پلیس در حال سوختن است. در حالی که قرار بود برنامه بعد از ساعت ۱۰ شروع بشود.

آقای «الهی طباطبایی» چگونگی کشیده شدن کبریت انفجار و حرکت خودجوش مردم را در تظاهرات ۲۹ بهمن توضیح می‌دهد:

الهی طباطبایی: سر بازار، مراسم ختمی بود به عنوان چهلم شهدای قم. ساواک آمد در مسجد را بست و مانع شد. در شهر حالت عادی به وجود آمده بود و آن‌هایی که نمی‌دانستند در مسجد بسته است، از گوشه و کنار و حاشیه شهر آمده بودند و روبه‌رو شدند با نظامی‌ها؛ و انفجار به وجود آمد.

و بدینسان با قیام تبریز، بهمن انقلاب به راه افتاد و سد ثبات و اقتدار رژیم شاهنشاهی شکست و قیام مردم در سایر شهرها فوران کرد. حرکتی که چون با تلاش دانشجویان مسلمان آغاز شد و مکان آن مسجد بود و حامی آن روحانیت انقلابی و مردم غیرتمند تبریز و در بزرگداشت شهادت حاج مصطفی خمینی و در دنباله قیام قم، صورت می‌گرفت، نیروهای چپ هیچ‌گونه نقشی در آن نداشتند.

گرچی: در آن وضع آشفته و شلوغ از یک افسر پرسیدم: «چه خبره؟» جواب داد: «یکی از افسران به مردم توهین کرده است و مردم هم عصبانی شده‌اند.» اولین بار بود که جمعیتی ده هزار نفری را می‌دیدم که «درود بر خمینی» می‌گویند. بعضی از مردم هم می‌گفتند: «خمینی کیم دی؟»، «خمینی کیم دی؟». یعنی «خمینی کیه؟»

چون امام را نمی‌شناختند. چون امام در تبریز و آذربایجان، نفوذ زیادی نداشت. آن

موقع آقای شریعتمداری مرجع تقلید آذربایجانی‌ها بود؛ و آخوندهایشان هم طرفدار آقای شریعتمداری بودند. شهید قاضی که نماینده امام بود، می‌گفت طرفداران آقای شریعتی بیشتر از ساواک او را اذیت کرده‌اند.

مردم شعار می‌دادند و تک و توک هم تیراندازی‌هایی می‌شد. بچه‌ها می‌دانستند که اگر تظاهرات را به همان جا محدود بکنند، ممکن است سرکوب شوند. این بود که در خیابان‌های مختلف پنخس شدند. وقتی جمعیت از میدان خارج و پنخس شدند، رشته امور هم از دست مأموران و نیز دانشجویان به کلی خارج شد. دانشجویها می‌کوشیدند به عنوان سردمدار و هدایت کننده به مردم بگویند که کدام ساختمان را آتش بزنند و کجا را آتش نزنند. تا خرابکاری بی‌هدف صورت نگیرد. مسئولان شهر انتظار چنین انفجاری را نداشتند و تا بیایند و با هم هماهنگ بشوند و ارتش را به مداخله دعوت کنند، دیگر کار از کار گذشت. تا آنجا که شهربانی هم ناتوان شد و به ساختمان‌ها و مقرهای خود برگشت و فقط در صدد حفظ پایگاه‌ها و مقرهای خودشان بود.

به هر صورت هماهنگی مسئولان سه چهار ساعت طول کشید و در این مدت شهر دست مردم بود و هرکاری که دلشان می‌خواست کردند. بیش از صد بانک، ساختمان حزب رستاخیز و ادارات دولتی و مشروب‌فروشی‌ها به آتش کشیده شد. بیشتر مردمی که در این روز به شهادت رسیدند به دست ساواکی‌ها تیر خوردند. آن‌ها سوار ماشین شخصی می‌شدند و به جاهای شلوغ که می‌رسیدند سراسلحه از ماشین بیرون می‌آوردند و به طرف جمعیت تیراندازی می‌کردند. تبریز یک شهر جنگزده شده بود. تا اینکه ارتش بر شهر مسلط شد.

**شهادت و مجروحان این تظاهرات مانع خاموشی قیام قم در ۱۹ دی ماه شدند و حرکت و پیام شهدای قم را با شهدای تبریز به هم پیوستند و به آینده پرتاب کردند. یکی از دانشجویان درباره انتقال مجروحان به بیمارستان و برنامه ساواک برای دستگیری آنان می‌گوید:**

سید مهدی موسوی: در تظاهرات ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶، آقای رحیم صفوی پایش تیر خورد. او را بردند به بیمارستان پهلوی - امام خمینی فعلی - که نزدیک دانشکده ما بود. ما دانشجویان دانشکده پزشکی و دانشکده داروسازی، در آن بیمارستان فعال بودیم. صبح یک مرتبه دیدیم که آقای رحیم صفوی را لنگ لنگان آوردند. بچه‌ها از همه آن کسانی که

از شهر می‌آورند، مراقبت می‌کردند. چون ساواک مترصد بود که مجروحان را بعد از بهبودی دستگیر کند. سیل مجروحان به بیمارستان روانه شده بود.

آقای صفوی هم در آن موقع جزء گروه‌های مسلح بود و باید مواظب بودیم که ایشان به دست ساواک نیفتند. موقع غروب با هماهنگی بچه‌ها لباس‌های رحیم صفوی را پوشانیدم و از در پشت بیمارستان فراری دادیم و شهید سلیمی نقش مهمی در فراری دادن آقای صفوی ایفا کرد. یکی از ساواکی‌ها که برادرش هم افسر شهربانی بود، پس از مشاهده ماجرا تلفنی خبر داده بود که یکی را فراری دادند.

رحیم صفوی را ابتدا به خوابگاه و سپس به منزل یکی از دوستان بردیم. نیروهای ساواک بلافاصله به جستجو در بیمارستان پرداختند. ولی دیدند صفوی نیست. وقتی به خوابگاه رسیدند، ما توانسته بودیم آقای صفوی را فراری بدهیم. بعد هم او را به تهران بردیم و مدت‌ها در خانه بچه‌ها بستری بود تا این که بهبود پیدا کرد.

پس از انجام تظاهرات کوبنده ۲۹ بهمن و ظهور ناتوانی و عقب‌نشینی نیروهای پلیس و ساواک، نیروهای ارتش برای مقابله با مردم و دستگیری افراد و عوامل فعال در تظاهرات آن روز وارد عمل شدند که به نوشته برخی از منابع، تعداد ۶۵۰ نفر دستگیر شدند.

افتخار: وقتی تظاهرات تمام شد و همه متفرق شدند، داشتم برمی‌گشتم به طرف دانشگاه. نزدیکی چهار راه آبرسانی که رسیدم، دیدم کماندوهای ارتش - که آن‌ها را از یکی از پادگان‌های خارج شهر آورده بودند - ماشین‌هایشان را بیرون شهر پارک کرده‌اند و جمعیت مسیر خیابان پهلوی را صف به صف جارو می‌کنند؛ (دستگیر می‌کردند) البته به شکل خیلی خاص نظامی. مثل اینکه می‌خواهند جایی را بگیرند.

### دستگیری‌ها و حوادث بعد از ۲۹ بهمن تبریز

ارتش و پلیس، عده بسیار زیادی را طی روزهای پس از ۲۹ بهمن تبریز از خانه‌ها بیرون کشیدند و روانه زندان ساختند. «محمدحسن برناه» یکی از آن‌ها بود که نحوه دستگیری خود و دوستانش را بیان می‌کند.

روز سیام بهمن، حرکت‌ها شکلی نامنظم و مردمی به خود گرفته بود. عده‌ای از بچه‌ها در منزلی که ما داشتیم، جمع شده بودند؛ از جمله آقای قیامت‌یون، صفوی، خرم، آل‌اسحاق، صفاری، صوفی، نوری، علایی و...

یک روز صبح یکی از بچه‌ها رفته بود نانوايي و در را اشتباهاً باز گذاشته بود. مأموران ساواک که دنبال ما بودند، یکه‌راست داخل خانه شدند. ما ۱۶ - ۱۵ نفری در حال تمرین «جودو» بودیم که یک‌دفعه دیدیم شخصی با اسلحه‌ای کوچک در دست وارد شد در حالی که دارد می‌لرزد. ما خنده‌مان گرفت. گفتم: «شما آمده‌اید سراغ ما، حالا چرا می‌ترسید؟» تا این که رئیس‌شان آمد و با فحاشی گفت: «بکشیدشان؛ بپندازیند؛ گلیم‌ها را روی سرشان بپندازید.»

**علی فیروزه، یکی از ده‌ها نفری بود که بعد از واقعه ۲۹ بهمن بازداشت شد وی مشاهدات خویش را در زندان چنین بازگو می‌کند:**

از روز سیام بهمن ساواک دستگیری‌های گسترده‌ای را شروع کرد. ابتدا همه را می‌بردند به ساواک؛ ولی آنقدر گنجایش ساواک کم بود که نمی‌توانستند دستگیرشدگان را بیش از چند روز در بازداشت نگه دارند؛ و تا آنجا که می‌توانستند افراد را تحت فشار قرار می‌دادند، تا معلوم شود در تظاهرات بوده است یا نه. به شدت بازجویی می‌کردند. از ابتدای زندگی آدم می‌پرسیدند تا هما روز ۲۹ بهمن، «که کجا بوده‌ای و انگیزه‌ات چه بود؟ چکار می‌کنی و مقلد کی هستی؟» بیشتر سعی می‌کردند تا رفقای آدم را بشناسند.

می‌پرسیدند: روز ۲۹ بهمن کجا بودی؟ چکار می‌کردی؟ و ما باید ساعت به ساعتش را توضیح می‌دادیم. این سؤال را چند بار تکرار می‌کردند تا تناقضی در جواب‌های ما پیدا کنند. ما تا عید نوروز در زندان ساواک بودیم. آن موقع کارتر بر سر کار آمده بود. و جو زندان‌ها مقداری عوض شده بود. چون فشار افکار عمومی هم بیشتر بود. لذا سعی می‌کردند کمتر شدت عمل به خرج دهند. و چون تعداد دستگیر شدگان افزایش یافت، ما را شب عید آزاد کردند.

موقمی که می‌خواستیم بیایم، بازجو با تحکم می‌گفت: «باید با ما همکاری بکنی وگرنه همیشه همین جا ماندنی هستی.» ما هم چون نمی‌خواستیم رودررو بگوییم که همکاری نمی‌کنیم، جواب دادیم: «من می‌ترسم؛ نمی‌توانم، درس دارم و مشکلات داریم و نمی‌شود!»



هرچه بازجو گفت، ما جواب سر بالا دادیم و او دید که چیزی عایدش نمی‌شود. پس گفت: «باید تمهید بدهی که هر خبری شد بیایی و بگویی.» گفتیم: «چشم.» قطعاً ساواک بعد از هر دستگیری، درست داشت منبع خبر داشته باشد؛ اما بندرت موفق می‌شد.

**قیام تبریز دیگر فرو نشست و دوران جدیدی در مبارزه آغاز شده**

**بود.**

علی صوفی: دانشگاه دیگر وضعیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده بود. هر روز بر در و دیوارش اعلامیه می‌چسبانند و چیزی که تبریزی‌ها را منقلب کرده بود این بود که حتی آقای شریعتمداری هم علیه رژیم اعلامیه داده بودند. ما عید آن سال، طبق معمول رفتیم شمال. شهید نوری هم با خانمش رفت خرم‌آباد. خواهر شهید نوری زنگ زدند و گفتند: «ریخته‌اند داخل خانه و ایشان را دستگیر کرده و برده‌اند.» گفتیم: «داستان چی بود؟» گفت: «اعلامیه همراه خودش آورده بود؛ اعلامیه آقای شریعتمداری که راجع به وقایع تبریز بوده است.» آقای نوری در زندان بودند و هنگامی که زندانیان سیاسی در جریان انقلاب آزاد شدند؛ ایشان نیز آزاد شدند. ایشان را در خرم‌آباد خیلی اذیت کرده بودند. تا این که منتقل شدند به تبریز؛ و ما به وسیله خواهرشان می‌توانستیم با ایشان ارتباط برقرار بکنیم و از وضعیت داخل زندان باخبر بشویم.

# جنبش دانشجویی و وقایع سال ۱۳۵۷

## تقویم مهمترین حوادث سیاسی و دانشجویی سال ۱۳۵۷

۱۳۵۷/۱/۱ تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان، در آستانه تحویل سال و عید نوروز. حضرت امام به مناسبت اربعین شهیدان تبریز پیام فرستادند.

۱۳۵۷/۱/۲ حضرت امام در پشتیبانی از مردم فلسطین و جنوب لبنان بیانیه‌ای صادر کردند.

۱۳۵۷/۱/۳ روزنامه لوموند: اتحادیه دانشجویان کشورهای اسلامی در اروپا اعلام کرده است که اعضای این اتحادیه در کشورهای انگلیس، فرانسه و ایتالیا، به عنوان اعتراض به اوضاع اسفناک توده‌های ایران، دست به اعتصاب غذا زدند.

۱۳۵۷/۱/۴ امام خمینی به مناسبت اربعین شهدای تبریز؛ اعلامیه‌ای انتشار داد. ایشان در این اطلاعیه به توطئه شاه در تأسیس دانشگاه اسلامی مشهد پرداخته؛ و چهلم شهدای تبریز را عزای عمومی اعلام کردند.

۱۳۵۷/۱/۵ اعلامیه‌ای به امضای حوزه علمیه قم به مناسبت چهارم شهدای تبریز انتشار یافت. آیت‌الله شریعتمداری به مناسبت چهارم شهدای تبریز اعلامیه‌ای منتشر کرد. بر اثر تیراندازی متقابل، یک فرد مسلح به نام «علی میرابیان» در اصفهان کشته شد. روزنامه اطلاعات وی را از اعضای گروه مارکسیست‌های اسلامی دانست.

۱۳۵۷/۱/۷ آیات عظام مرعشی نجفی و گلپایگانی و نیز علمای مشهد و تهران اعلامیه‌هایی به مناسبت اربعین شهدای تبریز منتشر کردند.

مهندسی بازرگان، با انتشار اعلامیه‌ای اعلام کرد که در مجلس اربعین شهدای تبریز که به همت روحانیون تهران برپا می‌شود شرکت خواهد کرد. در این اعلامیه‌ها روز دهم فروردین، عزای عمومی اعلام شد.

۱۳۵۷/۱/۹ دومین جلسه محاکمه شانزده دانشجوی متهم به برپایی تظاهرات خیابانی و اخلال در نظم، در شعبه اول دادگاه جنایی مرکز ادامه یافت. در یک برخورد مسلحانه با مأموران، یک فرد مسلح کشته شد و نفر دیگر با زخمی کردن یکی از مأموران فرار کرد.

۱۳۵۷/۱/۱۰ تظاهرات مردم یزد به مناسبت چهارم شهدای تبریز، به خاک و خون کشیده شد. شهر جهرم نیز شاهد حوادثی مانند یزد بود. در تهران و سایر نقاط کشور نیز تظاهرات مردمی برپا شد.

۱۳۵۷/۱/۱۴ همزمان با تظاهرات مردم کرمانشاه، خانه جوانان این شهر با بمب و کوکتل منفجر شد.

۱۳۵۷/۱/۱۵ تهران امروز بسیار ناآرام و متشنج بود و تظاهرات جلو بازار و دانشگاه تهران شدت گرفت، چند بانک به آتش کشیده شد و مردم با پلیس درگیر شدند.

۱۳۵۷/۱/۱۸ گارد رژیم شاه به دانشگاه تبریز حمله کرد.

روزنامه رستاخیز: اعضای نیروی پایداری آمادگی خود را برای مقابله با عوامل استعمار اعلام کردند. (نیروی پایداری یک جمع وابسته به رژیم بود و منظور آن از عوامل، استعمار، مخالفان حکومت بود).

- ۱۳۵۷/۱/۱۹ دامنه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی وسیع شد. بندهای ۴، ۵ و ۶ زندان قصر و زندانیان زندان قزل حصار نیز به آنها پیوستند.
- ۱۳۵۷/۱/۲۰ دانشجویان چند دانشگاه در تهران و نیز دانشجویان دانشگاه اصفهان، به حمایت از زندانیان سیاسی تظاهرات کردند.
- رژیم برای نمایش قدرت سیاسی خود، با جمع کردن هواداران خود از شهرهای مختلف در تبریز، یک اجتماع حزبی به راه انداخت.
- ۱۳۵۷/۱/۲۳ در تظاهرات مردم تبریز، یک تن از دانشجویان به شهادت رسید.
- ۱۳۵۷/۱/۲۴ شهر تبریز، به مناسبت شهادت دانشجوی تبریزی به حالت تعطیل درآمد.
- ۱۳۵۷/۱/۲۵ اخیراً در پی پیشنهاد حزب رستاخیز برای مقابله با اعتراضات مردم، رژیم تصمیم گرفت از عوامل چماق به دست بهره بگیرد. لذا روزنامه اطلاعات با آب و رنگ و لعاب تبلیغاتی در مورد اقدامات آنها نوشت: «بین تظاهرکنندگان و نیروهای پایداری، در اصفهان، قم و زنجان درگیری صورت گرفت. عده‌ای از مردم در این شهرها به دست نیروهای پایداری دستگیر شدند.»
- ۱۳۵۷/۱/۲۹ کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز در اعتراض به ددمنشی‌های رژیم شاه دست از کار کشیدند.
- ۱۳۵۷/۲/۸ جامعه روحانیت ایران ضمن تجلیل از شهدای وقایع اخیر، نوزدهم اردیبهشت را به مناسبت چهارم شهدای یزد، جهرم، قزوین، اصفهان، اهواز و شهرهای دیگر، تعطیل و عزای عمومی اعلام کرد.
- ۱۳۵۷/۲/۹ امام خمینی به مناسبت فرارسیدن چهارم شهدای یزد، اعلامیه‌ای منتشر کردند. در این اعلامیه از مردم خواسته شد که هدف اصلی مبارزه را متوجه شخص شاه قرار دهند.
- ۱۳۵۷/۲/۱۵ اعلامیه مشترکی توسط آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی و شریعتمداری، به مناسبت چهارم شهدای یزد منتشر شد.
- ۱۳۵۷/۲/۱۸ در چند خیابان شهر تهران تظاهراتی برپا شد و در پی آن چند سینما مورد حمله قرار گرفت. همچنین در دانشگاه تبریز نیز تظاهراتی برپا شد.

۱۳۵۷/۲/۱۹ بازار تبریز، اردبیل و زنجان تعطیل بود. تعداد کشته شدگان حوادث اخیر در تبریز به دو نفر رسید. دانشجویی که در جریان تظاهرات تبریز به شهادت رسید، پرویز میرزایی، دانشجوی دانشکده ادبیات دانشگاه آذربایجان - تبریز - بود. همچنین چهار نفر به نام‌های علی آقایی، جعفر جلیل‌زاده، محمد شیرمحمدی و حسن مردانی به اتهام پخش اعلامیه در محله کوچه باغ تبریز دستگیر شدند. در کرمانشاه دو دانشکده تعطیل شد. شش نفر هم در خرم‌آباد دستگیر شدند.

دانشگاه جندی شاپور از پنج روز پیش تعطیل است و مأموران انتظامی شهر را اشغال کرده‌اند.

۱۳۵۷/۲/۲۱ هیأت علمی دانشگاه تبریز به مناسبت بزرگداشت دانشجویان شهید دانشگاه تبریز، با انتشار اعلامیه‌ای برای هفتم این شهیدان، مجلس ختمی اعلام کرد.

۱۳۵۷/۲/۲۳ حضرت امام طوسی سخنرانی در نجف به مناسبت اربعین شهدای یزد، از قیام عظیم مردم تجلیل کردند.

۱۳۵۷/۲/۳۰ مهندس بازرگان در نامه‌ای که برای دربار فرستاد، شاه را دعوت به مذاکره و مباحثه تلویزیونی کرد.

به دستور شاه از این تاریخ به بعد مراسم چهارم آبان و ششم بهمن موقوف گردید.

۱۳۵۷/۳/۱ به دنبال سخنرانی یکی از روحانیون مبارز در اجتماع عظیم مردم کرمان، نخستین تظاهرات عظیم ضد شاه همزمان با تهران، قم و مشهد، در این شهر به وقوع پیوست.

در پی کشف دو مخفیگاه بزرگ اسلحه در نزدیکی بوشهر، چهار نفر دستگیر شدند.

۱۳۵۷/۳/۳ خبرگزاری فرانسه: آیت‌الله شریعتمداری پیشنهاد توافق با رژیم به شرط رعایت قوانین اسلامی را پذیرفت. آقای سنجابی سخنگوی جبهه ملی نیز با ارسال پیامی به شاه پیشنهاد انجام اصلاح دموکراتیک در رژیم ایران را ارائه داد.

- ۱۳۵۷/۳/۹ در ساعت ده شب، دختران دانشجوی ساکن خوابگاه امیرآباد شمالی (تهران)، با دادن شعار از خوابگاه بیرون آمدند. به تدریج، دانشجویان پسر هم که در خوابگاه‌های دیگر بودند، به تظاهر کنندگان دختر پیوستند. در این ماجرا، گروهی از مأموران و دانشجویان مجروح شدند. زد و خورد و تظاهرات پنج ساعت ادامه داشت و خوابگاه دانشجویان به ویرانه تبدیل شد.
- ۱۳۵۷/۳/۱۰ در آستانه سالگرد قیام ۱۵ خرداد، امام خمینی در نجف سخنانی پیرامون وضعیت ایران و آزادی مردم ایراد فرمودند.
- در آستانه سالگرد قیام ۱۵ خرداد، از طرف جامعه روحانیت ایران، این روز تعطیل و عزای عمومی اعلام شد.
- ۱۳۷۵/۳/۱۴ در دانشگاه‌های سراسر کشور به مناسبت سالگرد پانزده خرداد تظاهرات خیلی عظیمی برپا بود.
- ۱۳۵۷/۳/۱۵ چند هزار دانشجوی مسلمان ایرانی در برابر کاخ سفید، علیه شاه دست به تظاهرات زدند.
- ۱۳۵۷/۴/۱۰ سخنگوی دولت اعلام کرد به نامزدهای خارج از حزب هم اجازه شرکت در انتخابات داده می‌شود.
- دو مأمور پلیس در شیراز به دست تظاهر کنندگان سنگسار و مجروح شدند.
- ۱۳۵۷/۴/۱۲ امام خمینی با تحریم برپایی جشن به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و امام زمان (عج) گفت: «رژیم منحط برای مسلمین عیدی نگذاشته است... و در حال حاضر ملت عزیز در سوگ عزیزان خود نشسته است.»
- ۱۳۵۷/۵/۱ طلاب مدرسه نواب مشهد در هجوم مأموران رژیم به این مدرسه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.
- ۱۳۵۷/۵/۸ ساعت ۸ بامداد جلسه محاکمه ۲۴ دانشجو، کارگر و راننده به اتهام اخلال در نظم در شعبه دوم دادگاه جنایی ساری آغاز شد.
- ۱۳۵۷/۵/۱۰ امام خمینی، به مناسبت کشتار مردم شهرهای مشهد، رفسنجان و جهرم، اعلامیه‌ای صادر کرد. وی ضمن بزرگداشت شهادت‌ها و فداکاری‌های مردم به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، رهنمودهایی ارائه نمود.

- ۱۳۵۷/۵/۱۴ تظاهرات مردم اصفهان به خاک و خون کشیده شد.
- ۱۳۵۷/۵/۲۰ در اصفهان به مدت یک ماه حکومت نظامی اعلام شد. سرلشکر «رضا ناجی» به عنوان فرماندار نظامی شهر تعیین شد.
- ۱۳۵۷/۵/۲۱ چهارهزار دانشجوی دانشگاه آذربادگان - تبریز - ضمن تحریم کلاس‌های خود و تظاهرات، به وقایع اخیر اصفهان و سایر شهرها اعتراض کردند.
- مسئولان دانشگاه آذربادگان - تبریز - تصمیم به انحلال دوره تحصیلی سال ۵۶ - ۵۷ این دانشگاه، گرفتند. دانشجویان در پی خواسته‌های سابق خود، از جمله خروج نیروهای گارد از دانشگاه در این دانشگاه اجتماع کردند.
- صدها نفر از مردم شیراز برای بیان مخالفت خود با جشن هنر تظاهرات کردند؛ و با نیروهای امنیتی درگیر شدند. طی تظاهرات، شیشه‌های بانک‌ها و مغازه‌ها شکسته شد و سه نفر جان خود را از دست دادند. بدین جهت علمای شیراز این روز را تعطیل و عزای عمومی اعلام کردند.
- پلیس نجف آباد، همایون‌شهر و شهرضا، ضمن اعلام حکومت نظامی در این شهرها، مسجد جامع نجف آباد را به علت برپایی مجلس سخنرانی تعطیل کرد. چند ساعت قبل از این، در شهر اصفهان حکومت نظامی اعلام شده بود.
- ۱۳۵۷/۵/۲۲ غذاخوری خوانسالار که از اماکن فساد و مرکز خوشگذرانی آمریکاییان بود، به دست گروه توحیدی صف منفجر شد.
- ۱۳۵۷/۵/۲۴ رئیس دانشگاه تبریز: با انحلال ترم دانشگاه تبریز، دانشجویان خود به خود اخراجند.
- ۱۳۵۷/۵/۲۵ سازمان جشن هنر اعلام کرد به علت وقایع اخیر شیراز و اصفهان امسال جشن هنر در شیراز و جشن فرهنگی در اصفهان برگزار نمی‌شود.
- ۱۳۵۷/۵/۲۵ سینما رکس آبادان دچار آتش سوزی شد؛ ۳۷۷ نفر از مردم بی‌دفاع درحالی که درهای سینما از بیرون قفل شده بود، در آتش سوختند.
- ۱۳۵۷/۶/۱ احمد جلیل پور، یکی از چهار نفری که متهم به شرکت در واقعه بهمن سال ۱۳۵۶ تبریز شده بود، به یک سال زندان و پرداخت ده هزار ریال

ضرر و زیان محکوم شد. اما سه متهم دیگر به نام‌های قادر دهقان، علی تنور آغجی و محمد حسین تالاری تبرئه شدند.

۱۳۵۷/۶/۱ دانشجویان نقابدار ایرانی، سفارت ایران در لاهه را تصرف کردند.

۱۳۵۷/۶/۲ پس از مراسم عزاداری و سخنرانی به مناسبت ضربیت خوردن حضرت علی (ع)، عده‌ای از جوانان شهر رشت دست به تظاهرات زدند و شیشه چند بانک شکسته شد.

کارخانه آبجوسازی مجیدیه تهران آتش گرفت.

۱۳۵۷/۶/۳ در انفجار بمب در تبریز یک نفر کشته و دو نفر مجروح شدند؛ و سه مغازه مشروب فروشی آتش گرفت.

۱۳۵۷/۶/۶ امام خمینی به مناسبت روی کار آمدن دولت شریف امامی، طی پیامی گفت: «تبدیل مهره‌ای که از اول با اسلحه فریب و ریاکاری وارد میدان شده است، به امر شاه و برای توطئه علیه ملت و شکستن نهضت اسلامی است.» دبیرکل، قائم مقام و معاون حزب رستاخیز از مناصب خود استعفا دادند. سه نفر در شهر کاشمر به دست مأموران رژیم به شهادت رسیدند.

۱۳۵۷/۶/۱۰ کارگران کارخانه ماشین‌سازی تبریز دست به اعتصاب زدند.

۱۳۵۷/۶/۱۱ کارگران کارخانه «ایران ترانسفور» دست به اعتصاب زدند.

۱۳۵۷/۶/۱۲ تظاهرات مردم همدان به زد و خورد بین مأموران رژیم و مردم تبدیل شد. در پی تظاهرات مردم شهر ری پنج نفر به دست مأموران نظامی دستگیر شدند. مردم اراک با برپایی راهپیمایی، خواستار سرنگونی رژیم سلطنتی شدند. مردم بهبهان تظاهراتی را ترتیب دادند.

۱۳۵۷/۶/۱۳ نماز و راه‌پیمایی میلیونی و تاریخی عید فطر به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مفتاح در تپه‌های قیطریه تهران برگزار شد. در خمین، فسا، کرج و ایلام هشت نفر شهید و هشت نفر مجروح شدند.

۱۳۵۷/۶/۱۴ کارگران کارخانه‌های ماشین‌سازی اراک و فولاد اهواز دست از کار کشیدند. کلاتری میدان بهارستان تهران به دست مردم گلباران شد.



۱۳۵۷/۶/۱۵ از چهار روز پیش تاکنون یک هزار کارمند بانک مرکزی، نخستین اعتصاب کارمندی را که از ۲۵ سال پیش تاکنون در سازمان‌های دولتی صورت نگرفته است، آغاز کرده‌اند.

با اعطای استقلال به دانشگاه‌ها، دگرگونی‌های وسیع در مؤسسات آموزش عالی پیدا شد.

۱۳۵۷/۶/۱۶ در پی دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران برای راهپیمایی گسترده، حدود دو میلیون نفر در میدان شهیاد اجتماع کردند؛ و نام آن‌را به میدان آزادی تغییر دادند.

در راهپیمایی امروز، آیت‌الله طالقانی در پیشاپیش مردم در حرکت بود که مورد هتک حرمت و حمله پلیس قرار گرفت. ولی مردم، مانع اقدام پلیس شدند. یک بمب به سوی اتوبوس حامل تکنیسین‌های انگلیسی پرتاب شد.

۱۳۵۷/۶/۱۶ دولت با صدور تصویب‌نامه‌ای، از بامداد روز ۱۷ شهریور به مدت شش ماه، در تهران و یازده شهر قم، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، آبادان، اهواز، کرج، قزوین، کازرون و جهرم، حکومت نظامی برقرار کرد.

۱۳۵۷/۶/۱۷ سرکوب و کشتار مردم در میدان ژاله (شهدا). آیت‌الله مفتاح و بازرگان دستگیر شدند.

۱۳۵۷/۶/۱۹ کارکنان پالایشگاه تهران به اعتصابیون پیوستند.

۱۳۵۷/۶/۲۰ اسامی ۳۳۳ تن از زندانیان که به تازگی آزاد شده‌اند، اعلام شد.

۱۳۵۷/۶/۲۱ امام خمینی به مناسبت هفتم شهدای ۱۷ شهریور تهران، سخنرانی‌های نمایندگان مجلس را «خیمه شب بازی» دانست.

۱۳۵۷/۶/۲۳ شریف امامی گفت: خواسته‌های آیت‌الله شریعتمداری را می‌توان اجابت کرد. اما گروهی هستند که هیچ توصیه‌ای را نمی‌پذیرند و موجب بی‌نظمی می‌شوند.

۱۳۵۷/۶/۲۵ نه نفر از مردم در درگیری با پلیس تبریز شهید یا مجروح شدند.

۱۳۵۷/۶/۲۴ - ۶/۲۶ دانشجویان ایرانی در رم، استانبول، فرانکفورت آلمان، کلن و وین، دست به تظاهرات زدند و علیه شاه و امریکا شعار دادند.

- ۱۳۵۷/۶/۲۶ در یک درگیری در شهر تبریز شش نفر پلیس و سه نفر از مهاجمان کشته شدند.
- ۱۳۵۷/۶/۲۸ کارمندان بانک ملی نیز دست به اعتصاب زدند.
- ۱۳۵۷/۷/۲ کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان اعتصاب کردند.
- اوضاع داخلی ایران موجب فرار سرمایه از کشور شده به طوری که تاکنون سه میلیارد دلار از کشور خارج شده است.
- ۱۳۵۷/۷/۳ کارکنان مخابرات تهران و کارگران کشت و صنعت شوستر دست از کار کشیدند.
- ۱۳۵۷/۷/۵ دو هزار نفر از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت خارک اعتصاب کردند.
- ۱۳۵۷/۷/۷ کارکنان سازمان آب تهران و کارکنان راه آهن به جمع اعتصاب کنندگان پیوستند.
- ۱۳۵۷/۷/۱۲ حدود ده هزار نفر از جوانان تهرانی در اعتراض به اخراج امام خمینی از عراق فریاد می زدند: «یا مرگ یا خمینی».
- دولت ایران تلویحاً اعلام کرد: «بازگشت امام خمینی به کشور بلامانع است و ما از خروج ایشان مطلع نبودیم».
- ۱۳۵۷/۷/۱۴ امام خمینی در روز جمعه ساعت چهار و پنجاه دقیقه به وقت تهران وارد پاریس شد. سپس در دهکده‌ای به نام نوفل لوشاتو، در منزل یکی از طرفدارانش اقامت کرد. کارگران راه آهن زاهدان، ذوب آهن اصفهان و مس سرچشمه و نیز کارکنان پتروشیمی آبادان، پست و تلگراف اصفهان و شعب بانک شهریار و هواپیمایی ملی ایران دست از کار کشیدند.
- ۱۳۵۷/۷/۱۵ مراسم قالی شویان در ارده‌ال کاشان به تظاهرات بزرگ سیاسی مبدل شد.
- ۱۳۵۷/۷/۱۶ تظاهرات مردم آمل و بابل به خاک و خون کشیده شد.
- ۱۳۵۷/۷/۱۷ رژیم، تظاهرات مردم سنندج و مشهد را سرکوب کرد.
- ۱۳۵۷/۷/۱۸ در طول روزهای گذشته کارگران ذوب آهن اصفهان، ذوب آهن

باقی، کارخانه زامیاد و همچنین جنرال موتور به جمع اعتصاب کنندگان پیوستند. ۱۳۵۷/۷/۱۹ مطبوعات کشور در اعتراض به نبود آزادی قلم، به مدت نامعلومی دست از کار کشیدند. در اتوبوس حامل امریکاییان در اصفهان، بمبی به دست گروه «توحیدی صف» منفجر شد که به کشته و زخمی شدن عده‌ای از آن‌ها انجامید.

۱۳۵۷/۷/۲۱ کارکنان و کارگران «شیلات» بندر پهلوی، «کارخانه مینو»، «قرقره زیبا» و «کفش وین» دست به اعتصاب زدند.

۱۳۵۷/۷/۲۴ عده‌ای از چماق به‌دستان (معروف به کولی‌ها) در حمایت از مأموران شاه، به جمع مردم عزادار کرمان - که در مسجد جامع شهر برای بزرگداشت چهارم شهدای ۱۷ شهریور گرد آمده بودند - حمله کردند. در نتیجه جمع کثیری مجروح یا کشته شدند و نسبت به ساحت مقدس قرآن کریم بی‌احترامی شد چراکه با آتش گرفتن مسجد، قرآن‌ها نیز در آتش سوخت.

رژیم، تظاهرات مردم را در شهرهای مختلف به خاک و خون کشید و زنجان شاهد خونین‌ترین تظاهرات بود.

۱۳۵۷/۷/۲۶ تا امروز کارگران «سیتروئن»، «نیروگاه اتمی»، «ذغال سنگ دامغان»، «نساجی یزد»، «پالایشگاه شیراز»، «شیلات گرگان»، «کارخانجات مقدم»، «لوله و ماشین سازی ساوه» و «گروه صنعتی بهشهر» به اعتصاب کنندگان پیوستند.

۱۳۵۷/۸/۲ مدارس تهران بر اثر آشوب و اعتراض تعطیل شد. رانندگان نفتکش پالایشگاه تبریز نیز به جمع اعتصاب کنندگان پیوستند. کارکنان تلویزیون دست به اعتصاب زدند.

«صفر قهرمانی» قدیمی‌ترین زندانی ایرانی که سی سال متوالی عمر خود را در زندان گذرانیده بود، آزاد شد.

۱۳۵۷/۸/۳ ۱۱۲۶ زندانی سیاسی آزاد شدند.

۱۳۵۷/۸/۸ حضرات آیات طالقانی و منتظری در میان شور و شوق مردم از زندان آزاد شدند.

تولید و صدور نفت به کلی قطع شد.

۱۳۵۷/۸/۹ تظاهرات مردم آذرشهر، سنندج و خرم آباد، چندین شهید برجای گذاشت.

۱۳۵۷/۸/۱۰ بازار تبریز اعتصاب خود را شروع کرد.

۱۳۵۷/۸/۱۲ در بندرعباس ۲۵۰۰ کامیوندار دست به اعتصاب غذا زدند.

۱۳۵۷/۸/۱۳ تیراندازی وسیع به دانشجویان و دانش آموزان در مقابل دانشگاه تهران.

بازار تهران به مناسبت کشتار دانشگاه تهران تعطیل شد.

۱۳۵۷/۸/۱۴ کابینه نظامی از هاری جایگزین دولت شریف امامی شد.

۱۳۵۷/۸/۱۵ در زد و خورد دانشگاه تهران ۲۵ نفر جان خود را از دست دادند.

۱۳۵۷/۸/۱۶ دولت امریکا حمایت خود را از دولت نظامی ایران اعلام داشت.

سپهبد «علی خادمی» ترور شد.

۱۳۵۷/۸/۱۷ «امیرعباس هویدا» نخست وزیر شاه در طول نزدیک به ۱۳ سال، به دست حکومت نظامی شاه دستگیر شد.

با کشتار مردم نجف آباد، کرمانشاه و آمل، کارنامه دولت نظامی بار دیگر با خون مردم رنگین شد. این کشتار نسبت به کشتارهای دیگر دولت نظامی، کم سابقه و وسیع بود.

۷۰۰ دانش آموز که از دو روز پیش در بوشهر دست به اعتصاب غذا زده بودند، در محاصره نیروهای نظامی قرار دارند.

۱۳۵۷/۸/۱۸ تظاهرات نجف آباد مانند روز قبل با گلوله پاسخ گفته شد. و تظاهرات کرمانشاه، اصفهان و بابل چندین شهید و مجروح برجای گذاشت.

در حوالی کاخ شاه، با بمب آتشزا به سه خانه آمریکاییان حمله شد.

۱۳۵۷/۸/۲۰ در دومین حمله مردم به اتوبوس آمریکاییان در بهبهان عده‌ای مجروح شدند. در شوشتر نیز بیست خانه آمریکایی‌ها تخریب شد.

۱۳۵۷/۸/۲۸ ۲۱۰ زندانی سیاسی آزاد شدند.

۱۳۵۷/۸/۳۰ مسلمانان شیعه و سنی شهر سنندج در اجتماع پنجاه هزار نفری خود، تحت رهبری حجت‌الاسلام صفدری (روحانی تبعیدی) به استقبال از زندانیان سیاسی آزاد شده رفتند و در کنار هم در خیابان اصلی شهر نماز خواندند.  
۱۳۵۷/۹/۱ رهنمودهای حضرت امام به مناسبت فرارسیدن ماه محرم در پیامی منتشر شد.

۱۳۵۷/۹/۳ با انفجار نارنجک در میدان شهر دزفول، هفت مأمور رژیم به هلاکت رسیدند.

۱۳۵۷/۹/۱۰ از اولین شب ماه خونین محرم، حرکت ابتکاری مردم با رفتن بر پشت بام‌ها و گفتن تکبیر آغاز شد.

۱۳۵۷/۹/۱۴ آیت‌الله طالقانی از مردم برای شرکت در راهپیمایی تاریخی تاسوعا و عاشورا دعوت کردند.

تظاهرات نیم میلیونی مردم مشهد چند مجروح بر جای گذاشت.

۱۳۵۷/۹/۱۸ بحرین حمایت خود را از شاه در سرکوبی مخالفان اعلام کرد.  
۱۳۵۷/۹/۲۰ تظاهرات میلیونی مردم در تهران و نقاط دیگر کشور با بزرگداشت عاشورای حسینی، بی نظیرتر از روز تاسوعا برپا شد. در قطعنامه ۱۷ ماده‌ای این فرماندوم، بر رهبری امام خمینی و حکومت اسلامی و اجرای عدالت تأکید شد.

۱۳۵۷/۹/۲۱ در نجف آباد ۵۰ نفر شهید و ۲۰۰ نفر مجروح شدند.  
در پی حمله مردم اصفهان به مقر ساواک و آتش زدن آن و پایین آوردن مجسمه‌های شاه، امروز هلیکوپترها با تیراندازی به سوی مردم شمار بسیاری را به قتل رساندند.

۱۳۵۷/۹/۲۳ امام خمینی به مناسبت کشتارهای اخیر رژیم در شهرهای مختلف ایران بخصوص اصفهان و نجف آباد، ۲۷ آذر را عزای عمومی اعلام کردند.

۱۳۵۷/۹/۲۵ سلطان نشین عمان از شاه، اعلام حمایت کرد.

۱۳۵۷/۹/۲۷ آیت‌الله منتظری برای دیدار با امام خمینی عازم پاریس شد.

۱۳۵۷/۹/۳۰ گروه چریکی مسلح «وحدت» با برعهده گرفتن مسئولیت ترور معاون شهربانی کرمان، اعلان موجودیت کرد.

با فرار سربازان از پادگان‌ها در پی فرمان امام، جوانان شهرهای یزد و مشهد، برای آن‌که سربازان فراری شناخته نشوند، موهای سر خود را کوتاه کردند.

۱۳۵۷/۹/۳۰ ۴۰۰ زندانی سنندجی پس از آتش زدن زندان و غارت اسلحه خانه مسلحانه از زندان گریختند.

۱۳۵۷/۱۰/۲ نزدیک به صدتن از استادان و دانشیاران دانشگاه‌ها، ساختمان وزارت علوم را اشغال کردند و خواستار از سرگرفته شدن تدریس و خروج نظامیان از دانشگاه‌ها شدند.

رادیو لندن گفت: در پی قتل یک کارشناس آمریکایی در اهواز، یک هواپیمای آمریکایی برای انتقال صد کارشناس خود، وارد این شهر شد.

۱۳۵۷/۱۰/۵ آمریکا حمایت مجدد خود را از شاه اعلام کرد.

«کامران نجات‌الهی»، استاد دانشگاه پلی‌تکنیک تهران، در حمله مأموران شاه به تحصن استادان دانشگاه در وزارت علوم به شهادت رسید.

زندانیان سیاسی شهر مشهد دست به شورش زدند.

پزشکان و کارکنان داروخانه‌ای تبریز به مدت ۲۴ ساعت دست به اعتصاب زدند.

۱۳۵۷/۱۰/۶ انتصاب شاپور بختیار به نخست‌وزیری.

آمریکا بار دیگر حمایت خود را از شاه اعلام کرد.

۱۳۵۷/۱۰/۷ مردم قزوین پس از برپایی تظاهرات، به پادگان نظامی تیپ قزوین حمله کردند.

۱۳۵۷/۱۰/۸ امام خمینی با ارسال پیام به مهندس بازرگان، وی را جهت نظارت بر تولید و صدور نفت مأمور کرد.

در سنندج گروهی با حمله به زندان، برخی از زندانیان را آزاد کردند. در پی حمله مردم اهواز به ساختمان انجمن ایران و آمریکا ۴۰ تن به شهادت رسیدند.

در تهران ده‌ها هزار نفر برای دفن شهدا در بهشت‌زهرا تظاهرات کردند.

۱۳۵۷/۱۰/۹ در تظاهرات مردم رشت و صومعه‌سرا عده‌ای به شهادت رسیدند. مردم به خانه‌های پنج‌تن از ساواکی‌ها حمله کردند و آنجا را به آتش کشیدند. در اردبیل پنج‌تن شهید و چهل‌تن مجروح شدند مردم تبریز کنسولگری آمریکا را به آتش کشیدند.

۱۳۵۷/۱۰/۱۰ به‌علت خودداری کارکنان باند فرودگاه از کار برای هواپیماهای آمریکایی، تلاش برای خروج شمار زیادی از کارشناسان آمریکایی بی‌ثمر ماند. ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ شهرهای مختلف کشور غرق در جوش و خروش و مبارزه با نظامیان است که به‌علت وسعت اخبار از ذکر نام آن‌ها خودداری می‌شود.

۱۳۵۷/۱۰/۱۲ شهردار رفسنجان به ضرب گلوله کشته شد.

۱۳۵۷/۱۰/۱۳ خبرگزاری فرانسه: یک مقام بلندپایه آمریکایی، پشتیبانی مجدد آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلیس را از شاه اعلام کرد.

۱۳۵۷/۱۰/۱۴ «اویسی»، فرماندار نظامی تهران، پس از استعفا به آمریکا رفت.

۱۳۷۵/۱۰/۱۵ بنا به گفته کارتر، سران تمام کشورهای صنعتی شرکت‌کننده در کنفرانس «گودالوپ» معتقد بودند که شاه باید برود.

۱۳۵۷/۱۰/۱۶ خبر ورود ژنرال «رابرت هایزر»، معاون فرماندهی نیروی هوایی آمریکا در اروپا، به ایران فاش شد. وی برای مأموریت ویژه‌ای به تهران آمده است.

جلسه فرماندهان نظامی در تهران، مورد حمله مسلحانه چندافسر و سرباز انقلابی قرار گرفت و چندین افسر در این حمله کشته شدند.

شاپور بختیار اعضای کابینه خود را به شاه معرفی کرد.

۱۳۵۷/۱۰/۱۷ شاه در یک سخنرانی از مردم عذرخواهی کرد و از آنان خواست فرصت دیگری برای جبران گذشته به او بدهند.

آیت‌الله طالقانی از مردم خواست کسی را خودسرانه مجازات نکنند.

۱۳۵۷/۱۰/۱۸ «جرج براون» وزیر خارجه اسبق انگلیس، برای مذاکره محرمانه به ایران آمد. به دنبال توصیه آیت‌الله طالقانی، آتش‌نشانی‌ها به اعتصاب خود پایان دادند.

از هاری نخست‌وزیر سابق دولت نظامی، از ایران گریخت ولی اعلام شد که از هاری برای عمل جراحی قلب به خارج رفته است.

تیمسار سرلشگر «محمدجواد مولوی» رئیس پلیس تهران از کشور گریخت. ۱۳۵۷/۱۰/۱۹ امام خمینی مردم را از مجازات ساواکی‌ها و عمال شاه به‌طور خودسرانه منع کرد. دو نظامی در برابر دانشگاه تهران ترور شدند.

۱۳۵۷/۱۰/۲۰ درهای دانشگاه شیراز بر روی دانشجویان گشوده شد.

۱۳۵۷/۱۰/۲۱ انگلستان نیز با خروج شاه از ایران موافقت کرد.

یک سرهنگ ساواک و دو مأمور اطلاعاتی، به‌دست مردم شیراز به هلاکت رسیدند. ۶۵ زندانی آزاد شده سیاسی در اعتراض به بازداشت سایر زندانیان، حاضر به خروج از زندان نشدند.

آیت‌الله طالقانی به مناسبت نخستین روز بازگشایی دانشگاه‌ها پیامی منتشر کرد.

۱۳۵۷/۱۰/۲۲ امام خمینی، شورای انقلاب را موظف به بررسی موضوع دولت موقت، تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی و انتخاب و انتقال قدرت به برگزیدگان کردند؛ و همچنین از کارکنان دولت خواستند وزرای بختیار را به سرکار راه ندهند. ایشان به مردم اجازه دادند تا از خود در مقابل چماق به‌دستان دفاع کنند.

۱۳۵۷/۱۰/۲۳ شورای سلطنت تشکیل شد.

«سایروس ونس»، وزیر امور خارجه آمریکا، اعلام کرد: «شاه هرچه زودتر باید از ایران خارج شود.»

دو افسر شهربانی «بهبهان» مورد اصابت گلوله قرار گرفتند.

جمعیت اهل تسنن خوفاً تربت حیدریه، با نهضت مردم، اعلام همبستگی کردند.

۱۳۷۵/۱۰/۲۵ در اهواز و گرگان و روستایی در نهاوند، ۷ تن به شهادت رسیدند.

رئیس کلانتری تبریز به دست چریک‌های فدایی خلق ترور شد.



۱۳۵۷/۱۰/۲۶ انور سادات در مصر، میزبان شاه مخلوع شد. رادیو لندن: امروز دانشگاه تهران مرکز تظاهرات چند صد هزار نفری بود که روحانیون نیز در آن حضور داشتند. با مراجعت نظامیان به داخل پادگان‌ها، انتظامات تهران امروز به دست مردم بود.

یک سرهنگ آمریکایی - که مدیر شرکت پارس جردن بود -، در کرمان به هلاکت رسید. این شرکت به عنوان مشاور در مس سرچشمه کرمان مشغول کار است.

یک سرهنگ آمریکایی در خانه‌اش در تهران به قتل رسید. ۱۳۵۷/۱۰/۲۸ آقای «سید جلال‌الدین تهرانی»، رئیس شورای سلطنت، برای مذاکره با امام خمینی عازم پاریس شد.

۱۳۵۷/۱۱/۱ سید جلال‌الدین تهرانی از ریاست شورای سلطنت، استعفا کرد. (علت آن پیش شرط امام خمینی برای مذاکره با وی بود.)

در پی دعوت امام خمینی از نمایندگان مجلس و شورای سلطنت به کناره‌گیری، دوتن از اعضای شورا و ۲۱ نفر نماینده استعفا کردند.

اعتصاب غذای همافران پایگاه‌های هوایی همدان و دزفول از یک هفته پیش تا کنون همچنان ادامه دارد.

۱۶۲ زندانی سیاسی آزاد شدند.

نامه‌ای از سوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران خطاب به امام خمینی انتشار یافت.

۱۳۵۷/۱۱/۲ شاه از مصر به مراکش رفت.

چهار نفر از افسران در کارخانه هلی‌کوپترسازی نیروی هوایی دست به اعتصاب غذا زدند. آن‌ها گفتند از تلاش فرماندهی ارتش برای کودتا پشتیبانی نخواهند کرد.

دفتر امام خمینی اعلام کرد: امام خمینی روز پنجم بهمن از پاریس به مقصد تهران حرکت خواهند کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۴ فرودگاه مهرآباد با استقرار تانک‌ها و زره‌پوش‌های رژیم، اشغال

نظامی شد و دولت برای جلوگیری از ورود امام فرودگاه‌ها را به مدت سه روز تعطیل کرد.

گروه کثیری از مردم تهران در اعتراض به اشغال نظامی فرودگاه تهران و تأخیر در ورود امام خمینی به طرف فرودگاه راهپیمایی کردند. آیت‌الله طالقانی در جمع آنان سخنرانی کرد و مأمورین نظامی با ایجاد سر و صدا از سخنرانی وی جلوگیری کردند.

پرسنل هوایی در اعتراض به تعطیلی فرودگاه‌ها و لغو سفر امام، طی تظاهراتی به منزل طالقانی رفتند.

چهارصد همافر در پایگاه اصفهان، و همافران پایگاه‌های هوایی شیراز و بوشهر دست به تظاهرات زدند.

کارکنان وزارت امور خارجه با قیام ملت ایران اعلام همبستگی کردند.

سفارت و کنسولگری ایران در پاریس به دست دانشجویان ایرانی عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی با شعار الله اکبر تسخیر شد.

۱۳۵۷/۱۱/۵ کارکنان فرودگاه تهران اعلام کردند: «تا پرواز امام خمینی خمینی به ایران انجام نگیرد، به اعتصاب ادامه خواهیم داد.»

تظاهرات و راهپیمایی افسران، همافران و درجه‌داران نیروی هوایی به حمایت از امام خمینی برپا شد.

۱۳۵۷/۱۱/۶ تظاهرات در شهرهای مختلف ایران توأم با برخورد مردم با چماق‌داران و نظامیان ادامه دارد.

۱۳۵۷/۱۱/۸ مردم تهران در حالی که برای پیوستن به روحانیون متحصن در دانشگاه تهران، در خیابان شاه‌رضا - انقلاب - حرکت می‌کردند، از طبقات بالای

ساختمان ژاندارمری به سوی آنان تیراندازی شد و چهره پایتخت به صورت شهری جنگ‌زده درآمد. این حرکت را که انعکاس جهانی داشت، مشابه ۱۷

شهریور دانستند.

پنج روزنامه‌نگار، به دست مأموران فرماندار نظامی تهران بازداشت شدند.

رادیو بغداد: کارکنان شرکت کشتیرانی از تخلیه بار یک کشتی آمریکایی در

چابهار خودداری کردند.

«غلامحسین دانش»، روحانی نما و نماینده آبادان در مجلس شورا، به دست

سازمان «موحدین» ترور شد.

۱۳۵۷/۱۱/۹ بختیار گفت: «فرودگاه‌های کشور برای ورود امام باز است.»

تعداد روحانیون متحصن در دانشگاه تهران بالغ بر ۵۰۰ نفر شد. حضرات

آیت‌الله منتظری، صدوقی، مطهری، بهشتی، طالقانی و حجت‌الاسلام طاهری

اصفهانی در جمع متحصنین هستند.

۱۳۵۷/۱۱/۱۰ دستور وزارت خارجه آمریکا در مورد خروج آمریکاییان از ایران

صادر شد. هشت تن دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی استعفا کردند.

لشکر ۷۷ خراسان ضمن آغاز یک اعتصاب، با مردم و روحانیت اعلام

همبستگی کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۱۱ ۴۵۰ همافر اعتصابی از همدان با یک هواپیمای ارتشی به تبریز

انتقال یافت.

۱۳۷۵/۱۱/۱۱ رادیوهای کلن و لندن: ۱۲۰۰ آمریکایی با سه هواپیمای نظامی

ایران را ترک کردند. در حال حاضر شمار زیادی از اتباع خارجی سایر کشورها،

تهران را ترک می‌کنند.

۱۳۵۷/۱۱/۱۲ امام خمینی پس از سال‌های دوری و تبعید به کشور بازگشت.

ایران شاهد بزرگترین و تاریخی‌ترین استقبال بود. صف استقبال کنندگان از

فرودگاه تا بهشت‌زها بود. دکتر «علی آبادی»، عضو شورای سلطنت، از عضویت

این شورا کناره‌گیری کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۱۵ همافران نیروی هوایی در بهبهان به عنوان طرفداری از امام

خمینی، دست به راهپیمایی زدند.

شهردار تهران در حضور امام استعفا کرده، سپس امام وی را مجدداً به عنوان

شهردار منصوب کردند.

گروهی از نمایندگان مستعفی مجلس با امام دیدار کردند.

۱۳۵۷/۱۱/۱۶ انتخاب بازرگان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت، رسماً اعلام

شد. حکم و فرمان نخست‌وزیری وی با اتفاق آرای شورای انقلاب و تصویب امام خمینی صادر شد. ۲۲ نمایندهٔ دیگر مجلس شورا استعفا کردند. ۱۳۵۷/۱۱/۱۷ با فراخوانی مردم به راهپیمایی در تأیید دولت بازرگان، موج راهپیمایی شهرها را گرفت.

قیمت نفت در بازار جهانی به دو برابر افزایش یافت. ۱۳۵۷/۱۱/۱۹ گروه «منصورون»، ترور رئیس گارد دانشگاه جندی شاهپور اهواز را به عهده گرفت.

۱۳۵۷/۱۱/۲۰ با حملهٔ مأموران گارد جاویدان به پادگان نیروی هوایی تهران، جنگ خیابانی آغاز شد. اجتماع مردم در کنار خوابگاه همافران نیروی هوایی که از ساعت ده شب آغاز شده بود همچنان ادامه دارد. طرفداران بختیار در میدان امجدیه تظاهرات کردند.

۱۳۵۷/۱۱/۲۱ امام، حکومت نظامی اعلام شده از طرف فرماندار نظامی تهران را ملغی اعلام کرد.

مردم مسلح به یاری افراد نیروی هوایی شتافتند. جنگ خیابانی در تهران اوج بیشتری پیدا کرد.

۱۳۵۷/۱۱/۲۱ کلاتری‌های تهران‌نو (۹، ۱۴، ۱۶ و ۲۱) و نارمک (۱۰، ۱۱) و شهری سقوط کرد و همچنین یک هلیکوپتر گارد در تهران، در هوا ساقط شد.

۱۳۵۷/۱۱/۲۲ نبرد شدید مردم با نیروهای گارد در خیابان‌های تهران شدت بیشتری پیدا کرد. تسهیلات ارتش، زندان اوین، ساواک سلطنت‌آباد، مجلسین سنا و شورا، رادیو و تلویزیون، نخست‌وزیری، ژاندارمری و شهربانی، به دست مردم تصرف شد.

فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش با حضور در خدمت امام خمینی، استعفای خود را تقدیم کردند.

پس از سقوط رژیم سلطنتی، همافران نیروی هوایی که در حرکت نظامی مردم نقش مهمی داشتند، از همکاری و مدد رسانی به موقع مردم تشکر کردند.

سال ۱۳۵۷ آغاز شد و در دهه اول فروردین مقارن بود با چهلم شهدای قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز، امام خمینی، چند روز پیش از آن با انتشار اطلاعیه‌ای، چهلم شهدای تبریز را عزای عمومی اعلام کرد. عالمان و روحانیون قم و سایر شهرها، از جمله آیت‌الله شریعتمداری نیز بیانیه‌های جداگانه‌ای در خصوص هرچه با شکوه‌تر برگزار کردن مراسم شهدای چهلم تبریز صادر کردند.

دانشگاه‌ها به دلیل تعطیلات نوروزی خالی بودند. اما دانشجویان مبارز غالباً در شهر مانده و در خوابگاه‌های دانشجویی و یا خانه‌هایی که در شهر اجاره کرده بودند، اقامت داشتند. آن‌ها مراسم تبریز را باشکوه تمام برگزار کردند. در پی آن مأموران رژیم به شناسایی و دستگیری برخی از عوامل تظاهرات وسیع مردم در چهلم شهدای تبریز پرداختند که خبر آن در برخی از نشریات منعکس شد. هدف از انعکاس این اخبار، ارعاب مردم و اعلام تسلط بر اوضاع بود. عبدالحسین افتخاری دانشجوی دانشگاه آذربادگان یکی از کسانی بود که به جرم اغتشاش، در ممقان آذرشهر تبریز دستگیر شد:

کیهان هوایی: - امروز ۵۷/۱/۹ - مأموران انتظامی و قضایی به تعقیب و دستگیری متهمان حوادث اخیر تبریز همچنان ادامه می‌دهند. یکی از متهمان به نام عبدالحسین افتخاری دانشجوی دانشگاه آذربادگان که پس از شرکت در آشوب و اغتشاش به هنگام دستگیری از دست مأمورین انتظامی فرار کرده و خود را در ممقان آذرشهر مخفی نموده بود، دستگیر شد. وی در زمان بازپرسی اعتراف کرد، با دستگیری این دانشجو، تعداد دستگیر شدگان به ۶۷۷ نفر رسید.

یک مقام دادگستری افزود تحقیق درباره متهمان به سرعت ادامه دارد و به زودی پرونده آن‌ها تکمیل و به دادگاه جنایی و اطفال و... فرستاده خواهد شد.

اطلاع رسانی در جریان هر جنبش انقلابی، در حکم انرژی ضروری برای تداوم حرکت است؛ و اعلامیه‌ها و نوارهای امام خمینی که به صورت مخفیانه دست به دست می‌گشت، نقش موثری در گرم کردن تنور مبارزه و نیرو بخشیدن بدان داشت. در آن زمان کلیه وسایل ارتباطی و رسانه‌ها در

انحصار حکومت بود و تجهیزات چاپ و تکثیر و امکانات رادیویی هم بسیار اندک و ابتدایی (البته، آنچه در دسترس مردم بود). لذا دانشجویان مسلمان تبریز با ایفای نقش همدهای در این مورد، خلاء رسانه‌های خبری و وسایل ارتباطی را پر می‌کردند و حتی اعلامیه‌ها را با دست خود می‌نوشتند و تکثیر می‌کردند.

بهزاد خرقانیان: نوشته‌ها و نوارهای امام به صورت سازمان یافته از قم می‌آمد. کلیه این جزوه‌ها و کتاب‌ها را در همان محلی که من خودم مخفیانه زندگی می‌کردم، نگه می‌داشتیم؛ و سپس آن‌ها را توسط دانشجویان، در سطح شهر پخش کردیم. این مسأله، برای شکل‌گیری ذهنی و اعتقادی ما خیلی مفید بود. بیشتر دانشجویان مسلمان تبریز، ارتباطی مستقیم با شهید «قاضی» داشتند. تقریباً در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ بود که حرکت‌ها به صورت فراگیرتر و عمومی‌تر شکل گرفت. اطلاعاتی‌ها به دست دانشجویان در بین مردم پخش می‌شد؛ ساواک احساس وحشت می‌کرد و بدین جهت با شروع حرکت‌هایی کور، عناصر مسلمان را بازداشت می‌کرد.

در اردیبهشت ماه، دو نفر از دانشجویان به منزل ما آمدند، من هم یک کتاب و نوار امام و کتابی متعلق به مرحوم شریعتی را به آن‌ها دادم تا مطالعه کنند. سپس از منزل خارج شدیم. نزدیک منطقه آبرسانی بود که دیدیم ساواک با چند ماشین، راه را بسته است. آن‌ها، ما را بازداشت کردند. اما به لحاظ این که سن من خیلی کم به نظر می‌آمد، یعنی از لحاظ جسمی ریزه میزه بودم - و دقیقاً ۱۷ سال داشتم - مرا رها کردند. من احتمال می‌دادم که ساواک مرا به خاطر ردیابی رها کرده است. لذا با سن کمی که داشتم، حدود چهار ساعت در خیابان‌ها و کوچه‌های تبریز می‌گشتم و بعضی جاها سرعتم را زیاد می‌کردم تا ساواک نتواند مرا تعقیب و ردیابی بکند. کم‌کم ساواک عناصر فعال را شناسایی کرد. مدنی نگذاشته بود که خانه گروهی ما هم لو رفت. ما در آن خانه، ۱۳ نفر بودیم.

در سال ۱۳۵۷ روزی با همه بچه‌ها در خانه جمع بودیم که در زدند. وقتی در را باز کردیم دیدیم یک گروه هفت، هشت نفری مسلح از ساواک ریختند داخل خانه. آن‌ها قبلاً همه بچه‌ها را شناسایی کرده بودند. آن روز سه نفر از بچه‌ها را دستگیر کردند و با خود بردند؛ آقایان مجید خرقانیان، مرادی و یکی دیگر از دوستان.

آقای مجید خرقانیان آیه‌ای نوشته و به دیوار اتاق زده بود که: «اگر یک نفر بکشی،